

ترجمه متون مارکسیستی - لنینیستی



لنین ، استالین :

درباره‌ی :

مطبوعات کمونیستی

انشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

فهرست مطالب

۱- پیش نویس اعلامیه هیئت تحریریه ایسکرا و زاریا- لنین

۲- بیانیه هیئت تحریریه ایسکرا- لنین

۳- از طرف ناشرین (سر مقاله روز نامه سوسیال دموکراتیک

غیر قانونی برد زولا- مبارزه -) - استالین

۴- خبرنگاران کارگری - لنین

پیش نویس اعلامیه هیئت تحریریه ایسکرا^۱ و زاریا^۲

با عهده دار شدن مسئولیت انتشار ۲ ارگان سوسیال دموکراتیک - یک مجله علمی و سیاسی و یک روزنامه پرولتاریایی سراسر روسیه - ما لازم می دانیم که چند کلمه ای در رابطه با برنامه مان ، اهدافی که در جهت کسبشان می کوشیم ، و درکی که از وظایفمان داریم صحبت کنیم . مادوره ای بس مهم در تاریخ جنبش طبقه کارگر روسیه و سوسیال دموکراسی روسیه را از سر می گذرانیم . تمام شواهد گواهی می دهد که

جنبش ما به مرحله ای حساس رسیده است . جنبش ما بچنان وسعتی توسعه یافته و چنان جوانه های برومندی در دورافتاده ترین قسمت های روسیه بار آورده است که در حال حاضر با نیروی نامحدود جد و جهد می کند تا خود را قوام بخشد . فرمی بالاتر بخود گیرد ، و اندام و تشکیلاتی معین را بوجود آورد . در حقیقت چند سال گذشته با پخش سریع و حیرت آور ایده های سوسیال - دموکراتیک در میان روشنفکران ما مشخص شده ، و روبرویی با این جریان در ایده های اجتماعی ، انعکاس جنبش خود بخودی بکلی مستقل پرولتاریای صنعتی می باشد ، جنبشی که رو به وحدت و مبارزه علیه بیدادگرانش نموده و کوششی مشتاقانه برای سوسیالیسم را بیان می دارد . محفل های مطالعاتی کارگران و روشنفکران سوسیال - دموکرات در همه جا جوانه می زنند ، اعلامیه های تهیه جی محلی شروع به ظاهر شدن نموده ، تقاضا برای مطبوعات سوسیال - دموکراتیک رو به افزایش نهاده و در حال پیشی گرفتن از عرضه است ، و ادیت و آزار شدید حکومت در مهار کردن جنبش ناتوان می باشد .

زندانیها و تبعیدگاهها اشباع شده اند. بندرت ماهی می‌گذرد که از " بدام افتادن " سوسیالیست ها در تمام قسمت‌های روسیه ، از اسارت پیکهای سیاسی مخفی کار ، از دستگیری تهیج کنندگان ، و از ضبط مطبوعات و ماشینهای چاپ چیزی نشنویم ، اما جنبش پیش می‌رود و رشد می‌کند ، در حال پخش به حتی مناطق گسترده تری می‌باشد ، عمیق و عمیق تر بدرون طبقه کارگر نفوذ می‌کند و به درجه‌ای فزاینده در حال جلب توجه عموم می‌باشد . تمام توسعه اقتصادی روسیه و تاریخ اندیشه اجتماعی و جنبش انقلابی در روسیه بمثابه ضمانتی است که جنبش سوسیال دموکراتیک طبقه کارگر رشد خواهد کرد و تمام موانعی را که بر سر راهش قرار دارند از میان بر خواهد داشت .

خصوصیت عمده جنبش ما ، که بویژه در سالهای اخیر مشخص شده است حالت پراکندگی و رفتار غیر حرفه‌ای آن استراگرسی خواهد اینطور آن را بیان کند . محافل مطالعاتی محلی جوانه زده و مستقل از یکدیگر عمل میکنند چیزی که بخصوص اهمیت دارد . بویژه مستقل از محافل که قبلا " فعالیت کرده اند و هنوز هم در همان نواحی در حال فعالیتند . سنتها هنوز برپا نشده و پیوستگی حفظ نمیگردد نشریات محلی بخوبی این پراکندگی و عدم ارتباط را با آنچه که سوسیال دموکراسی روسیه تاکنون بدست آورده است منعکس می‌کند . دوره کنونی ، بنابراین ، بنظرمان حساس میرسد دقیقاً بدین دلیل که جنبش از این مرحله آماتوری و این پراکندگی فراتر می‌رود ، مصر " مستلزم یک انتقال به فرمی بالاتر ، پیوسته تر ، بهتر و متشکل تر می‌شود ، چیزی که ما ارتقاء آن را وظیفه خویش می‌دانیم . لازم بتذکر نیست که در مرحله معینی از حیات جنبش ، در زمانی که نطفه اش بسته میشود ، این پراکندگی کاملاً " غیر قابل اجتناب بود ، عدم وجود پیوستگی از نظر رشد شگفت آور سریع و جامع جنبش پس از یک دوره طولانی

آرامش انقلابی طبیعی است. بدون شک نیز همواره، تفاوت در شرایط محلی، وجود خواهد داشت، همیشه اختلافاتی در وضعیت طبقه کارگر در یک ناحیه در مقایسه با دیگر نواحی موجود خواهد بود و بالاخره همواره در نقطه نظرات میان کارگران محلی فعال، نقطه نظر ویژه ای وجود خواهد داشت، این ناهمگونی فعلی گواه نیرومندی جنبش و رشد سالم آن می باشد. همه اینها صحیح است با اینحال پراکندگی و عدم وجود تشکیلات پیامد لازمه این ناهمگونی نیستند. حفظ پیوستگی و وحدت جنبش بهیچ ترتیبی ناهمگونی را از بین نمی برند، بلکه برعکس، عرصه بمراتب وسیعتری و زمینه فعالیت آزادانه تری برای آن بوجود می آورند. در دوره کنونی جنبش، بهر حال، پراکندگی شروع به نشان دادن یک اثر مشخصاً "زیان بخش نموده است و جنبش را تهدید به انحراف به مسیری اشتباه می کند. عملکردی محدود، جدا از روشنگری تئوریک جنبش بطور اعم، ممکن است رابطه مابین سوسیالیسم و جنبش انقلابی روسیه را از یکطرف و جنبش خودبخودی طبقه کارگر را از طرف دیگر از بین ببرد. خیالی نبودن این خطر بوسیله محصولات ادیبانه ای مانند

— که هم اکنون اعتراض و محکومیت قانونی را بوجایاراپیش کشیده است — و ضمیمهء حداگانهء "رابوچار یا میسل" (سپتامبر ۱۸۹۹) اثبات می گردد. آن ضمیمه مشخصاً "جریانی را که به کل رابوچار یا میسل نفوذ کرده است افشا می کند، در این ضمیمه جریان مشخصی در سوسیال دموکراسی روسیه شروع به نمایش خود نموده است، جریانی که ممکن است آسیبی واقعی برساند و باید با آن مبارزه شود. ونشريات علنی روسیه، با تقلید مسخره شان از مارکسیسم که تنها قادر به فاسد کردن آگاهی عمومی است، بیشتر از این اغتشاش و هرج و مرجی را تشدید می کنند که برنشتین تقدیس شده را (تقدیس شده برای ورشکستگی)

قادر ساخته است که در مقابل تمام دنیا چنین دروغی که اکثریت سوسیال دموکراتهای فعال در روسیه از او حمایت می‌کنند را منتشر کند .
 هنوز وقت قضاوت کردن دربارهٔ اینکه شکاف به چه عمقی است و تشکیل یک جریان خاص به چه اندازه محتمل است نرسیده است . (در این لحظه ما بهر حال مستعد پاسخگویی به این سئوالات بطور قطعی نیستیم و هنوز امیدمان را به اینکه توانایی کار کردن با تفاق را داریم از دست نداده ایم .) ، اما مضرتر است که چشمانمان را بروی حدت و اوضاع بیندیم تا آنکه در عمق شکاف اغراق کنیم ، و ما صمیمانه از سرگرفتن فعالیت ادبی را بوسیله گروه آزادی کار و مبارزه‌ای راکه علیه تلاشهایی که برای تحریف و مبتذل کردن سوسیال دموکراسی میشود آغاز شده است ، استقبال می‌نمائیم .^۳

از آنچه که رفت استنتاج عملی زیر را باید بدست آورد : ما سوسیال دموکراتهای روسیه باید متحد شویم و تمام کوششمان را در جهت ایجاد یک حزب یگانه و قوی سوق دهیم ، حزبی که باید تحت لوای یک برنامه سوسیال دموکراتیک انقلابی مبارزه کند ، حزبی که پیوستگی جنبش را حفظ کرده و بطور سیستماتیک از تشکیلاتش حمایت نماید . این نتیجهٔ جدیدی نیست . سوسیال دموکراتهای روسیه این استنتاج را دو سال قبل اکتساب کردند ، هنگامیکه نمایندگان بزرگترین سازمانهای سوسیال دموکرات روسیه در کنگره بهار سال ۱۸۹۸ گرد آمدند ، حزب کار سوسیال دموکرات روسیه را ایجاد کردند ، بیانیه حزب را منتشر نمودند ، و "رابوچایا گازتا" را بعنوان ارگان رسمی حزب برسمیت شناختند . با ملاحظهٔ خود بعنوان اعضای حزب ، ما کاملاً با ایده‌های اساسی که بیانیه در بردارنده آن است موافقیم و برای آن ، بعنوان اعلام صریح و عمومی اهدافی که باید حزب مادر جهتشان بکوشد ، اهمیتی عظیم قائلیم . نتیجتاً ، ما ، بعنوان اعضای حزب مسئله

وظیفه فوری و مستقیم خود را بشرح زیر بیان می نمائیم :

چه برنامه فعالیتی باید برای احیای حزب براساس قاطعترین پایه‌های ممکن اتخاذ کنیم؟ برخی از رفقا (حتی بعضی از گروهها و سازمانها) معتقدند که برای این امر ما باید پراتیک انتخاب هیئت مرکزی حزب را از سر گرفته و دستور دهیم که انتشار ارگان حزب را دوباره شروع نمایند.^۴ ما چنین طرحی را غلط می دانیم یا، بطور کلی یک طرح پرخطر. ایجاد و تحکیم حزب یعنی ایجاد و تحکیم وحدت مابین تمام سوسیال دموکراتهای روسیه، چنین اتحادی ممکن نیست با فرمان کسب شود، با اتخاذ یک تصمیم نیز - مثلاً "تصمیم جلسه‌ای از نمایندگان - بدست نمی آید، برای رسیدن به آن باید تلاش کرد.

در وحله اول لازم است یک نشریه حزبی مشترک را بوجود آورد، مشترک، نه فقط بدان مفهوم که باید بتمام جنبش روسیه خدمت کند تا نواحی جداگانه، که بجای فقط درگیر شدن در مسائل محلی باید مسائل جنبش را بطور اعم مورد بررسی قرار داده و پروولترهای مسلح به آگاهی طبقاتی را در مبارزه شان دستیاری نماید، بلکه مشترک، همچنین بدین مفهوم که باید تمام نیروهای ادبی موجود را متحد کند، و تمام شکل‌های عقاید و نظرات غالب در میان سوسیال دموکراتهای روسیه را بیان نماید، نه بعنوان کارگران پراکنده، بلکه بعنوان رفقای که در صفوف یک سازمان واحد توسط برنامه ای مشترک و مبارزه ای مشترک متحدند. ثانیاً " ما باید تلاش کنیم تشکیلاتی بخصوص بمنظور ایجاد و حفظ ارتباط مابین تمام مراکز جنبش، برای ارائه اطلاعات کامل و بموقع دربارهٔ جنبش و تحویل روزنامه ها و مجلاتمان بطور منظم به تمام قسمتهای روسیه بوجود آوریم. تنها زمانیکه چنین تشکیلاتی برپا شده باشد، فقط موقعیکه یک پست سوسیالیستی روسیه ایجاد شده باشد، حزب دارای اساسی سالم

خواهد بود، به واقعیتی حقیقی و از اینرو به یک نیروی سیاسی عظیم تبدیل خواهد شد. ما در صد دیم کوششمان را به نیمه اول این وظیفه، یعنی بوجود آوردن یک نشریه مشترک اختصاص دهیم، چرا که ما این را بعنوان نیاز مبرم جنبش امروزه و یک معیار اولیه لازم در جهت ادامه فعالیت حزب در نظر می‌گیریم.

خصوصیت وظیفه ما طبیعتاً "برنامه‌داره" نشریاتمان را تعیین می‌نماید. آنها باید جای قابل ملاحظه‌ای به مسائل تئوریک، یعنی تئوری عام سوسیال دموکراسی و تلفیق آن با شرایط روسیه اختصاص دهند. نیاز فوری جهت ارتقاء بحثی گسترده دربارهٔ این مسائل، بویژه در حال حاضر از هرشکی بدور است و نیاز به هیچ توضیح بیشتری از آنچه که در بالا گفته شد ندارد.

لازم به تذکر نیست که مسائل تئوری عام بطور جدایی ناپذیری در رابطه با نیاز تاءمین اطلاعات دربارهٔ تاریخچه و وضع کنونی جنبش طبقه کارگر غرب می‌باشد. بعلاوه ما بحث سیستماتیک تمام مسائل سیاسی را پیشنهاد می‌کنیم. حزب کار سوسیال دمکرات باید بتمام مسائلی که در تمام سطوح زندگی روزمره مان مطرح میگردد پاسخ گوید، بتمام مسائل سیاست داخلی و خارجی. و ما باید مراقبت نمائیم که هر سوسیال دموکرات و هر کارگر مسلح به آگاهی طبقاتی، نظرات معینی دربارهٔ تمام مسائل مهم داشته باشد.

بجز با ایجاد این شرایط، ادامه تبلیغ و تهییج گسترده و سیستماتیک غیر ممکن خواهد بود. بحث مسائل تئوری و مشی بنوشتن پیش نویس برنامه حزب مربوط خواهد بود، که لزوم آن در کنگره سال ۱۸۹۸ مشخص گردید. در آتی نزدیک ما تصمیم به انتشار یک پیش نویس برنامه داریم. بحثی جامع دربارهٔ آن باید مطالب کافی جهت کنگره آینده که ملزم به

اتخاذ یک برنامه می باشد را تدارک بیند .
 وظیفه حیاتی دیگر ، بعقیده^۶ ما ، بحث مسائل تشکیلاتی و روشهای
 عملی اجرای کارمان می باشد . عدم وجود پیوستگی و عدم وحدت ، که
 در بالا بدان برخورد شده است بویژه اثر زیان بخشی بروی وضع کنونی
 انضباط ، تشکیلات و تکنیک پنهانکاری حزب دارد . باید دربرابرهمگان
 دوستانه اقرار بشود که از این نظر ما سوسیال دموکراتها لنگ لنگان به
 دنبال کارگران قدیمی در جنبش انقلابی روسیه و بدنبال سایر سازمانهایی
 که در روسیه بکار مشغولند روانیم ، و ما باید تمام تلاشها مان را بکارگیریم
 تا بر طبق وظایفمان قدم برداریم .

جلب عده کثیری از طبقه کارگر و اشخاص جوان روشنفکر به جنبش ،
 نارسائیهای فزاینده و حيله گریهای حکومت در اذیت و آزار ، تبلیغ اصول
 و روشهای تشکیلات و انضباط و تکنیک پنهانکاری حزب را نیازی مبرم
 میگرداند .

چنین تبلیغی ، اگر توسط تمام گروهها و تمام رفقای که تجربه^۶
 بیشتری دارند حمایت شود ، می تواند و باید به آموزش سوسیالیستهای
 جوان و کارگران بمثابه رهبران جنبش انقلابی منجر شود و قادر به غلبه بر تمام
 موانعی که سد راه کار ما بوسیله حکومت ستمگرانه پلیسی ، استبدادی
 ایجاد شده و قادر به برآوردن تمام نیازمندیهای توده های زحمتکش ،
 کسانی که بطور خود بخودی در جهت سوسیالیسم و مبارزه سیاسی می کوشند ،
 شود .

بالاخره یکی از وظایف اساسی ای که از موضوعات ذکر شده در بالا
 نشئت می گیرد باید تحلیل این جنبش خود بخودی (در میان توده های
 زحمتکش ، همانگونه که در میان روشنفکران ما) باشد . ما باید بکوشیم
 جنبش اجتماعی روشنفکران را که مشخص کننده^۶ دهه^۶ ۹۰ روسیه است

و دربردارنده گرایشهای گوناگون و گاه متضاد است ، درک کنیم

ما باید بدقت اوضاع طبقه کارگر را در تمام سطوح زندگی اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم ، اشکال و شرایط بیداری کارگران و مبارزاتی که شروع شده را مطالعه نمائیم ، بدین منظور که قادر گردیم جنبش طبقه کارگر روسیه را با سوسیالیسم مارکسیستی ، که تا اینزمان شروع به ریشه دوانیدن در خاک روسیه نموده است ، در یک مجموعه یکپارچه متحد نمائیم ، بدین منظور که توانائی آن را داشته باشیم که جنبش انقلابی روسیه را با اعتلای خودبخودی توده های مردم پیوند بزنیم . تنها زمانیکه این ارتباط برقرار شده است یک حزب سوسیال دموکراتیک در روسیه می تواند بوجود آید . چرا که سوسیال دموکراسی برای این نیست که تنها به جنبش خودبخودی طبقه کارگر خدمت کند (آنطوریکه بعضی از « کارگران اهل عمل » امروزه ما برخی اوقات به اندیشیدن به آن تمایل نشان می دهند) بلکه برای اینست که سوسیالیسم را با جنبش طبقه کارگر پیوند دهد . و تنها این پیوند است که پرولتاریای روسیه را قادر به انجام وظایف سیاسی فوری خود نموده - روسیه را از یوغ حکومت مطلقه استبداد رها میسازد .

توزیع این موضوعات و مسائل مابین مجله و روزنامه تنها بوسیله تفاوتهای اندازه و خصوصیت این نشریات تعیین خواهد شد - مجله اساسا " باید در خدمت تبلیغ و روزنامه اساسا " برای تهییج ، ولی تمام جوانب جنبش باید هم در مجله و هم در روزنامه منعکس گردد ، و ما به ویژه خواهان تأکید مخالفتمان با این نظریه هستیم که روزنامه کارگران بایستی تمام صفحاتش را منحصرآ " به موضوعاتی که بطور مستقیم و بلا واسطه به جنبش خودبخودی طبقه کارگر مربوط است اختصاص دهد ، و

هر آنچه را که به تئوری سوسیالیسم ، علم ، سیاست ، مسائل تشکیلات حزب و غیره مربوط میشود به نشریه ای برای روشنفکران واگذار نماید . برعکس لازم است که تمام واقعیات و تجلیات منسجم جنبش طبقه کارگر با مسائل مذکور پیوند یابد ، فروغ تئوری بایستی هر واقعیت منتزعی را روشنایی بخشد ، تبلیغ در بارهٔ مسائل سیاست و تشکیلات حزب باید بمیان توده های عظیم طبقه کارگر گسترش یابد ، و به این مسائل درکار تهییج باید برخورد شود . نوع تهییجی که تاکنون بدون استثناء غالب بوده است - تهییج بوسیله اعلامیه های منتشره محلی - در حال حاضر نامناسب است ، محدود است و تنها با مسائل محلی و اساساً "اقتصادی" سروکار دارد . ما باید سعی کنیم فرم برتری از تهییج بوسیله روزنامه ، که باید شامل آمار مرتبی از نارضایتی های کارگران ، اعتصابات کارگران و سایر اشکال مبارزات پرولتری ، و همچنین تمام تجلیات ستم سیاسی در تمام روسیه باشد بوجود آوریم . تهییجی که باید استنتاج مشخصی از هر یک از این تجلیات مطابق با هدف نهایی سوسیالیسم و وظایف سیاسی پرولتاریای روسیه باشد . " حدود را توسعه داده و محتوای فعالیت های تهییجی ، تبلیغی و تشکیلاتی را وسعت بخشد . " این جمله پ . ب . اکسلرد باید بعنوان شعاری که فعالیت های سوسیال دموکرات های روسیه را در آینده نزدیک تشریح می کند مورد استفاده قرار گیرد . و ما این شعار را در برنامه نشریاتمان بکار می گیریم .

در اینجا این سؤال طبیعتاً مطرح میگردد : اگر قرار است که نشریات پیشنهاد شده در خدمت متحد کردن تمام سوسیال دموکرات های روسیه و جمع آوری آنها در یک حزب واحد قرار گیرند ، آنها باید تمام اختلافات جزئی عقاید ، تمام خصوصیات ویژه محلی ، تمام متدهای عملی گوناگون را منعکس کنند .

چگونه می‌توانیم نقطه نظرات مختلف را با حفظ مشی تحریریه واحدی برای این نشریات درآمیזیم؟ آیا این نشریات بایستی منحصرآ آش شله قلمکاری از نقطه نظرات گوناگون باشد یا بایستی آنها گرایش مستقل و كاملا " معین داشته باشند؟

ما نظر دوم را بكار گرفته و امیدواریم كه ارگانی باگرایش معین كاملا" مناسب از كار درخواهد آمد . (بطوریکه در زیر نشان خواهیم داد .) ، هم بمنظور بیان نقطه نظرات گوناگون و هم برای پلمیکهای رفیقانه مابین ارائه کنندگان .

نظرات ما كاملا" با ایده های اساسی مارکسیسم (همانگونه كه در مانیفست کمونیست و در برنامه های سوسیال دموکراتها در اروپای غربی بیان شده است ،) مطابقت می‌کند ، ما از توسعه پیگیر این ایده ها با الهام از مارکس و انگلس دفاع می‌نمائیم وموکدا" اصلاحات آپورتونیستی و دروغین برنشتین را كه الان مد روز شده رد می‌کنیم .

آنطوریکه ما معتقدیم ، وظیفه سوسیال دموکراسی اینست : سازمان دادن مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، ارتقاء آن مبارزه ، نشان دادن هدف نهائی اساسی آن ، و تحلیل شرایطی كه روش‌های عملی نمودن این مبارزه را تعیین می‌کنند . " رهایی طبقات زحمتکش باید بوسیله خود طبقات زحمتکش کسب گردد . " ۶ اما از آنجائیکه ما سوسیال دموکراسی را از جنبش طبقه کارگر جدا نمی‌کنیم ، نباید فراموش نمائیم كه وظیفه سوسیال-دموکراسی نمایاندن منافع این جنبش در تمام کشورها بطور اعم می‌باشد ، و نباید کورکورانه هیچ مرحله بخصوصی از جنبش را در هیچ زمان یا مکان بخصوصی ستایش نمود .

ما فکر می‌کنیم كه وظیفه سوسیال دموکراسی است كه هر جنبش انقلابی را بر علیه نظام اجتماعی و سیاسی موجود حمایت کند ، وهدف

آن را کسب قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر، سلب مالکیت کردن از مالکین، و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی می‌دانیم.

ما قویاً "هرکوشی را در جهت تضعیف و ملایم کردن خصلت انقلابی سوسیال دموکراسی، که حزب انقلاب اجتماعی است رد نموده، بی محابا به تمام طبقاتی که از نظام اجتماعی کنونی دفاع می‌کنند، خصومت می‌ورزیم.

ما معتقدیم که وظیفه سوسیال دموکراسی روسیه، بویژه، سرنگون ساختن حکومت مطلقه است. سوسیال دموکراسی روسیه مترصد است که مبارز و پیشقراول در صفوف دموکراسی روسیه باشد، خواهان رسیدن به مقصدی است که تمام توسعه اقتصادی روسیه در پی آن قرار دارد و آن را از مبارزین افتخار آفرین جنبش انقلابی روسیه به ارث برده است. تنها بوسیله پیوند جدائی ناپذیر مبارزات اقتصادی و سیاسی، تنها بوسیله بسط تبلیغ و تهییج سیاسی در میان اقشار هرچه وسیعتر طبقه کارگر، سوسیال دموکراسی می‌تواند مأموریتش را اجرا نماید.

از این دیدگاه (در اینجا فقط بصورت خصوصیات عمومی درج شده است، زیرا که بدفعات توسط گروه آزادی کار، در مانیفست حزب کار سوسیال دموکرات روسیه و در "یادداشتی" بر آن - در رساله، وظایف سوسیال دموکراتهای روسیه - در نهضت طبقه کارگر در روسیه (زمینه ای از برنامه سوسیال دموکراسی روسیه) که بطور مشروح و با ارائه مدارک بشکل کاملتری اثبات شده مورد بررسی قرار گرفته است)، ما با تمام مسائل تئوریک و عملی برخورد نموده و سعی خواهیم کرد که تمام تجلیات جنبش طبقه کارگر و اعتراض دموکراتیک در روسیه را بوسیله این ایده ها بهم پیوند دهیم.

اگر چه ما کار ادبی مان را از دیدگاه یک گرایش مشخص انجام

می‌دهیم ، بهیچوجه قصد نداریم که تمام نظراتمان را دربارهٔ مسائل حزبی مانند همه سوسیال دموکراتهای روسیه ارائه‌دهیم . ما انکار نمی‌کنیم که اختلافاتی وجود دارند ، و سعی در پنهان کردن یا محو کردن آنها نیز نمی‌نمائیم . برعکس . ما علاقمندیم که نشریات ما به ارگانهای برای بحث پیرامون تمام مسائل بوسیله همه سوسیال دموکراتهای روسیه با ناهمگون ترین اختلافات جزئی عقیده تبدیل شود . مایلمیک بین رفقا را رد نمی‌نمائیم و برعکس ، آماده‌ایم که فضای قابل ملاحظه‌ای در ستونهایمان به آنها بدهیم .

پلمیکهای آشکار که با احتساب کامل همه سوسیال دموکراتها و کارگران مسلح به آگاهی طبقاتی انجام می‌گیرد ، لازم و مطلوبند تا عمق اختلافات موجود روشن شده و بحث پیرامون مسائل مورد مناظره از تمام زوایا دامن زده شود ، تا بتوان با قطبهایی که نمایندگان نظرات مختلف ، مواضع گوناگون یا « تخصصهای » گوناگون جنبش انقلابی بطور اجتناب ناپذیری بدان در می‌غلطند مقابله نمود .

در حقیقت ما عدم وجود پلمیک آشکار بین نظرات مختلف بیان شده ، و کوشش برای پنهان کردن اختلافات در مسائل اساسی را یکی از اشکالات جنبش کنونی می‌دانیم .

بعلاوه ، با قلمداد کردن طبقه کارگر روسیه و سوسیال دموکراسی روسیه بعنوان پیشقراول مبارزه برای دموکراسی و آزادی سیاسی ، ما لازم میدانیم که کوشش کنیم نشریاتمان را به ارگانهای دموکراتیک عمومی تبدیل سازیم ، نه بوجهی که حتی برای یک لحظه خصومت طبقاتی بین طبقه پرولتاریا و سایر طبقات را فراموش کنیم ، یا اینکه به کمترین ملامتی در آهنگ مبارزه طبقاتی رضایت دهیم ، بلکه از این جهت که ، تمام مسائل دموکراتیک را مطرح و مورد بحث قرار دهیم ، بدون اینکه خود

را منحصرًا " به مسائل پرولتری محدود کنیم ، بوجهی که ، تمام شواهد و تجلیات ظلم سیاسی را مطرح و مورد بحث قرار داده پیوند بین جنبش طبقه کارگر و مبارزه سیاسی را در تمام اشکال آن نشان دهیم . همه مبارزین صادق علیه حکومت مطلقه را علیرغم نظراتشان یا طبقه ای که بآن تعلق دارند ، حلب کرده و بآنها القاء کنیم که از طبقه کارگر بمثابه تنها نیروی انقلابی ایکه در خصومت با مطلقگی پیگیر است پشتیبانی کنند . نتیجتاً " اگرچه ما عمدتاً " دست تقاضا بسوی سوسیالیست ها و کارگران مسلح به آگاهی طبقاتی روسیه دراز می کنیم ، تنها از آنها درخواست نمی کنیم .

ما همچنین تمام کسانی را که بوسیله نظام سیاسی موجود در روسیه تحت ستم قرار گرفته اند ، تمام کسانی را که برای رهائی مردم روسیه از بند بردگی سیاسی کوشش و تقلا می کنند دعوت مینمائیم که از نشریاتی که جهت تشکل جنبش طبقه کارگر در یک حزب سیاسی انقلابی است پشتیبانی کنند ، ما ستونهای نشریاتمان را در اختیار آنان قرار می دهیم باین منظور که آنها بتوانند تمام پلیدیها و جنایات حکومت مطلقه استبدادی را افشا نمایند ، با اعتقاد باینکه پرچم مبارزه سیاسی ایکه توسط سوسیال دموکراسی روسیه برافراشته شده است میتواند پرچم همه مردم باشد و خواهد شد این دعوت را مینمائیم .

وظائفی که برای خود تعیین می کنیم بینهایت وسیع و همه جانبه اند ، و ما جرئت بگردن گرفتن آنها را نمی کنیم ، مگر اینکه با تمام تجربیات گذشته مان کاملاً " قانع شده باشیم که اینها مبرم ترین وظایف تمام جنبش است ، مگر اینکه به همدردی و وعده های پشتیبانی دائمی و بی دریغ از طرف :

۱ - سازمانهای متعدد حزب کار سوسیال دموکرات روسیه و گروههای

جداگانه سوسیال دموکرات روسیه که در شهرهای مختلف بکار مشغولند.
 ۲- گروه آزادی کار که بنیانگذار سوسیال دموکراسی روسیه و همیشه پیشرو تئوریسین ها و نمایندگان ادبی آن بوده است .
 ۳- تعدادی از اشخاص که به هیچ سازمانی وابستگی ندارند لیکن به جنبش طبقه کارگر سوسیال دموکرات سمپاتی داشته و از هیچ خدمتی دریغ نمی کنند .

ما از هیچ کوششی در جهت احرای صحیح قسمتی از کارهای عمومی انقلابی که انتخاب کرده ایم فروگذار نکرده و تمام تلاش خود را خواهیم کرد تا هر رفیق روسی را واداریم که نشریه ما را از آن خودش بداند، نشریه ای که همه گروهها هرگونه اطلاعات خود را راجع به جنبش به آن ارسال می کنند ، در آن نظرات خود را بیان می کنند ، احتیاجاتشان را برای ادبیات سیاسی نشان می دهند ، تجارب خود را در ارتباط قرار می دهند و عقاید خود را راجع به مقالات سوسیال دموکراتیک اعلام می دارند ، در یک کلمه این نشریه واسطه ایستکه از طریق آن هرگونه سهم خود به جنبش و برداشتشان از آنرا بشراکت می گذراند . فقط و فقط از این طریق ممکن خواهد بود که یک ارگان واقعی سوسیال دموکراتیک سراسر روسیه ایجاد نمائیم . سوسیال دموکراسی روسیه از هم اکنون خود را در تنگنای شرایط پنهانکاری می بیند که در آن گروههای مختلف و محافل مطالعاتی پراکنده کار خود را ادامه میدهند .

وقت آنست که بیرون آمده و در راه دفاع آشکار از سوسیالیسم ، در راه مبارزه سیاسی آشکار ، گام نهیم ، ایجاد یک ارگان سوسیال دموکراسی سرتاسری روسیه اولین قدم در این راه است .

نوشته شده در بهار سال ۱۹۰۵
 اولین بار در سال ۱۹۲۵ در
 مجموعه مقالات گوناگون لندن
 جلد ۴ چاپ رسید .
 طبع شده بر طبق نسخه خطی که
 توسط شخصی ناشناس نوشته شده
 است . .

بیانیه هیئت تحریریه ایسکرا^۷

بنام هیئت تحریریه

با عهده دار شدن انتشار روزنامه سیاسی ، ایسکرا ، لازم میدانیم چند کلمه ای دربارهٔ هدفهایی که برایشان میکوشیم و درکی که از وظایف آن داریم صحبت کنیم .

ما در حال گذرا از یک دورهٔ بسیار مهم در تاریخ جنبش طبقه کارگر روسیه و سوسیال دموکراسی روسیه هستیم ، چند سال اخیر بوسیله رواج سریع و حیرت آور ایده های سوسیال دموکراتیک در میان روشنفکران ما مشخص شده است و بیانگر این جریان در ایده های اجتماعی ، جنبش مستقلی از پرولتاریای صنعتی که در ابتدای اتحاد و مبارزه بر علیه سرکوبگرانش است و کوشش مشتاقانه به سمت سوسیالیسم میباشد . محافل مطالعاتی کارگران و روشنفکران سوسیال - دموکرات در همه جا جوانه می زنند ، اعلامیه های تهبیجی محلی بطور وسیعی پخش می گردند . تقاضا برای مطبوعات سوسیال دموکراتیک در حال افزایش بوده و از عرصه پیشی می گیرد ، و اذیت و آزار شدید حکومت برای مهار کردن جنبش ناتوان است . زندانها و مناطق تبعید اشباع شده اند . ماهی نمی گذرد که نشویم سوسیالیستها در تمام مناطق روسیه " به دام افتاده اند " ، پیک های زیرزمینی دستگیر شده اند ، مطبوعات و ماشینهای چاپ مصادره شده اند . ولی جنبش در حال رشد است ، در حال گسترش به مناطق هرچه وسیعتری می باشد ، در حال نفوذ عمیق و عمیق تر در بین طبقه

کارگر بوده و در حال جلب توجه عمومی به درجه‌ای فزاینده است. تمام توسعه اقتصادی روسیه و تاریخ اندیشه اجتماعی و جنبش انقلابی در روسیه بمثابة ضمانتی است که جنبش سوسیال - دموکراتیک طبقه کارگر رشد خواهد کرد و در آخر تمام موانعی را که در سر راهش قرار دارند از میان برخواهد داشت.

از طرف دیگر، خصوصیت عمده جنبش ما، که بویژه در سالهای اخیر مشخص شده است حالت جدائی و رفتار غیر حرفه‌ای آن است، اگر کسی بخواهد اینطور آن را بیان کند، محافل مطالعاتی محل جوانه زده و مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند بویژه مستقل از محافلی که قبلاً "فعالیت کرده اند و هنوز هم در همان نواحی در حال فعالیتند، رسوم هنوز برپا نشده و پیوستگی حفظ نمی‌گردد. نشریات محلی بخوبی این پراکندگی و عدم اتباط را با آنچه که سوسیال دموکراسی روسیه تاکنون بدست آورده است منعکس می‌کند.

چنین حالت پراکندگی قادر به جوابگوئی به خواستهایی که بوسیله جنبش با وسعت و قدرت کنونی مطرح میشوند نیست، و بعقیده ما یک لحظه بحرانی در پیشرفت خود بوجود خواهد آورد. نیاز به اتحاد و به شکل و تشکیلاتی معین با نیروی غیرقابل مقابله در خود جنبش احساس می‌شود. در میان سوسیال دموکراتهای فعال در زمینه عملی این نیاز برای گذار به شکلی برتر از جنبش هنوز فراگیر نشده است، برعکس باید در میان محافل وسیع منتظر مشاهده تزلزلی ایدئولوژیک، یک شیفتگی بوسیله "انتقاد از مارکسیسم" و "برنشتینیسیم" مدروز، گسترش نظرات جریان با اصطلاح "اکنومیستی" و آنچه که بطور جدائی ناپذیر با آن در رابطه است - کوششی برای نگهداشتن جنبش در سطح پائین ترش، و پنهان نگاهداشتن وظیفه ایجاد یک حزب انقلابی که مبارزه تمام مردم

را رهبری می‌کند، بود.

این یک واقعیت است که انتظار مشاهده چنین تزلزل ایدئولوژیکی، رادرمیان سوسیال دموکراتهای روسیه باید داشت. که پراکتیکالیسم (عمل - گرائی) محدود، جدا از روشنگری تفویض‌گرای جنبش بطور اعم، جنبش را به خطر انحراف به مسیری غلط تهدید می‌نماید. هر کس که اطلاعی صحیح از وضع امور در اکثر سازمانهای ما دارد هیچ شکی در این باره ندارد. بعلاوه محصولات ادبی وجود دارند که این را تأیید می‌کنند. کافی است که ذکر^۱ برود که در حال حاضر اعتراضی برحق را پیش کشیده است، "ضمیمه جداگانه" "رابوچایامیسل" (سپتامبر سال ۱۸۹۹)، مشخصاً "جریانی را که به‌کل رابوچایامیسل نفوذ کرده است افشاء می‌کند و بالاخره بیانیه گروه خودآزادی طبقه کارگر سنت پترزبورگ،^۸ که همچنین منتج از روح "اکنون میسم" است. کاملاً "نادرست بیانیه‌های رابوچیه دلو"^۹ است تا بجاییکه منحصرأ عقاید اشخاص را نشان می‌دهد. و جریانی که بوسیله رابوچایامیسل ارائه شده است منحصرأ "گیجی و بی درایتی نویسندگان، و نه گرایش بخصوص در پیشرفت جنبش طبقه کارگر روسیه را نشان می‌دهد.

همزمان با این، آثار نویسندگانی که تا بحال خوانندگانی داشته‌اند، با دلایلی کم و بیش، بعنوان نمایندگان برجسته مارکسیسم "علنی" در نظر گرفته شده و بطور فزاینده‌ای یک تغییر در نظرات در جهتی قابل مقایسه با دفاعیات بورژوائی را نشان می‌دهند. در نتیجه تمام اینها، ما دچار اغتشاش و هرج و مرجی شده ایم که مارکسیست سابق، دقیق‌تر یا، سوسیالیست سابق برنشین را قادر ساخته است در برشمردن

موفقیت‌هایش بیکه تازانه در مطبوعات اعلام کند که اکثریت سوسیال -
دموکرات‌های فعال در روسیه پیروان وی هستند .

ما علاقه ای به مبالغه دشواری وضع نداریم ، اما بی اندازه زیان -
بخش تر است اگر چشم‌هایمان را در مقابل آن ببندیم . بدین دلیل ما
صمیمانه از تصمیم گروه آزادی کار برای از سر گرفتن فعالیت‌های ادبی
و شروع یک مبارزه سیستماتیک بر علیه تلاش‌هایی که برای تحریف و مبتذل
کردن سوسیال دموکراسی میشود استقبال می‌نمائیم .

از آنچه که رفت استنتاج عملی زیر را باید بدست آورد :

ما سوسیال دموکرات‌های روسیه باید متحد شویم و تمام کوششمان را
در جهت تشکیل یک حزب قوی که باید زیر پرچم یگانه سوسیال دموکراسی
مبارزه کند ، بکار گیریم . این دقیقاً "وظیفه ای است که بوسیله‌کنگره در
سال ۱۸۹۸ که در آن حزب کار سوسیال دموکرات روسیه تشکیل شد و
بیانیه‌اش را انتشار داد ، تعیین شده بود .

ما خود را اعضای این حزب میدانیم ، ما کاملاً "با ایده‌های اساسی
که بیانیه در بردارنده آن است موافقیم و بعنوان اعلام عمومی اهدافش
اهمیتی عظیم برای آن قائلیم . نتیجتاً " ، ما ، بعنوان اعضای حزب مسئله
وظیفه فوری و مستقیم خود را بشرح زیر بیان می‌نمائیم . چه طرح فعالیتی
باید برای احیای حزب بر اساس قاطعترین پایه های ممکن اتخاذ کنیم ؟
جوابی که معمولاً " به این مسئله داده میشود اینستکه لازم است
مجدداً " یک هیئت مرکزی خوب انتخاب کنیم و دستور دهیم که انتشار
ارگان حزب را شروع نمایند . اما برای دورهٔ اغتشاشی که اکنون در حال
گذار از آنیم ، چنین روش ساده ای بسیار نامناسب است .

ایجاد و تحکیم حزب یعنی ایجاد و تحکیم وحدت ما بین تمام
سوسیال دموکرات‌های روسیه ، و بنا بدلیل ذکر شده در بالا ، چنین اتحادی

با فرمان کسب نمی‌شود، با اتخاذ یک تصمیم نیز مثلا "تصمیم جلسه ای از نمایندگان بدست نمی‌آید، برای رسیدن به آن باید تلاش کرد. در حله اول، برای وحدت ایدئولوژیکی استوار که بایستی ناهماهنگی و اغتشاش را برطرف ساخته - صریح بگوئیم! - ناهماهنگی ای که مابین سوسیال دموکراتهای روسی در حال حاضر حکمفرماست، لازم است تلاش بشود. این وحدت ایدئولوژیک باید توسط برنامهء حزب تحکیم یابد. ثانيا " ما باید تلاش کنیم تشکیلاتی بخصوص بمنظور ایجاد و حفظ ارتباط مابین تمام مراکز جنبش، برای ارائه اطلاعات کامل و بموقع دربارهء جنبش و تحویل روزنامه ها و مجلاتمان بطور منظم به تمام قسمتهای روسیه دست یابیم. تنها زمانیکه چنین تشکیلاتی برپا شده است، فقط موقعیکه یک پست سوسیالیستی روسیه ایجاد شده، حزب دارای اساسی سالم خواهد بود، به واقعیتی حقیقی، و از اینرو به یک نیروی سیاسی عظیم تبدیل خواهد شد. ما در صددم کوشمان را به نیمه اول این وظیفه، یعنی به بوجود آوردن یک نشریه مشترک، هماهنگ در اصول و قادر به متحد کردن سوسیال دموکراسی انقلابی اختصاص دهیم، چراکه ما این را بعنوان تقاضای مبرم جنبش امروز و یک معیار اولیه لازم بمنظور از سرگیری فعالیت حزب مورد توجه قرار می‌دهیم.

آنطور که گفته ایم، وحدت ایدئولوژیک سوسیال دموکراتهای روسیه هنوز لازم است بوجود آید، و بدینمنظور بعقیدهء ما لازم است بحث آشکار و همه جانبه درباره مسائل اساسی اصول و تاکتیکها که توسط "اکنونیستهای" امروزی، برنشتینی‌ها، و "انتقاد کنندگان" مطرح گردیده، داشته باشیم. قبل از آنکه بتوانیم متحد شویم و بدینمنظور که امکان اتحاد فراهم شود، ما باید قبل از هر چیز بطور ثابت و مشخص مرزبندی نمائیم. در غیر اینصورت، وحدت ما کاملا "ساختگی خواهد

بود، اغتشاش موجود را پنهان کرده و مانع محو ریشه ای آن میشود. بنابراین قابل درک است که ما نمی‌خواهیم از نشریاتمان تنها انباری از نظرات گوناگون بسازیم برعکس، ما آن را با گرایشی صریحا " مشخص اراده خواهیم نمود. این گرایش می‌تواند بوسیله کلمه مارکسیسم بیان گردد، و نیازی نیست که اضافه کنیم که ما از توسعه‌پیگیران ایده‌های مارکس و انگلس دفاع کرده و موکداً " اصلاحات " آپورتونیستی، مبهم و دروغین را که ادوارد برنشتین، پ استرووه و عده ای دیگر باب روز کرده اند را رد می‌نمائیم. اما اگرچه ما تمام مسائل را از نقطه نظر مشخص خودمان مورد بحث قرار می‌دهیم، در ستونهایمان به بحث وجدل مابین رفقا جا خواهیم داد.

بحث و جدلهای آشکار که با دید کامل تمام سوسیال دموکراتها و کارگرانی با آگاهی طبقاتی ارائه شده‌اند، در جهت نمایش عمق اختلافات، به منظور ارائه بحث مسائل مورد مباحثه از تمام زوایا، بمنظور مبارزه با قطبهایی که نه تنها نمایندگان نظرات گوناگون، بلکه حتی نمایندگان مواضع مختلف یا " تخصصهای " گوناگون جنبش انقلابی ناگزیر بدان در می‌غلطند، لازم و مطلوبند. در حقیقت، همانطور که در بالا ذکر شد، ما یکی از اشکالات جنبش حاضر را عدم وجود پلمیک آشکار مابین نظرات مختلف اظهار شده و تلاش در جهت مخفی کردن اختلافات بروی مسائل اساسی می‌دانیم.

ما تمام مسائل و موضوعات مولد موجود در برنامه نشریاتمان را جزء جزء برنخواهیم شمرد، چرا که برنامه بطور اتوماتیک از این تصور کلی که یک روزنامه سیاسی منتشره تحت شرایط فعلی، چه چیز بایستی باشد ناشی می‌گردد.

ما کوششمان را بکار خواهیم بست تا هر رفیق روسی نشریه ما را

از آن خودش بداند ، نشریه ای که توسط آن تمام گروه‌ها هر نوع اطلاعات مربوط به جنبش را در اختیار یکدیگر می‌گذارند ، تجربیاتشان را با یکدیگر مرتبط کرده ، نظراتشان را بیان می‌دارند ، نیازشان را به مطبوعات سیاسی خاطر نشان کرده ، و عقاید خود را دربارهٔ نشریات سوسیال دموکراتیک ابراز می‌دارند :

در یک عبارت بگوئیم آنها بدین ترتیب در سهمی که به جنبش ادایا از آن کسب می‌کنند شریک می‌شوند ، تنها بدین طریق ایجاد یک ارگان سوسیال دموکراتیک واقعی سراسری روسیه ممکن خواهد بود . چنین نشریه ای لایق رهبری جنبش در شاهراه مبارزه سیاسی خواهد بود . « دامنهٔ کار را وسعت داده و محتوای فعالیت‌های تبلیغی ، تهییجی و تشکیلاتی را غنا بخشید . » - این کلمات پ . ب اکسلرد باید شعاری در خدمت تعیین فعالیت‌های سوسیال دموکرات‌های روسیه در آینده نزدیک باشد ، و ما این شعار را در برنامه نشریه مان بکار می‌بندیم .

ما نه تنها از سوسیالیست‌ها و کارگران مسلح به آگاهی طبقاتی استمداد می‌طلبیم ، بلکه همهٔ آنها بی را نیز که توسط نظام سیاسی کنونی به آنان ستم روا شده است ، فرا می‌خوانیم . ما ستون‌های نشریاتمان را در اختیار آنان قرار می‌دهیم تا امکان یابند تمام پلیدیهای حکومت مطلقه روسیه را افشاء نمایند .

آنها بی که سوسیال دموکراسی را بمثابة تشکیلاتی منحصر " در خدمت مبارزه خود بخودی پرولتاریا می‌بینند ممکن است فقط با تهییج محلی و مطبوعات محلی « ساده و ناب » طبقه کارگر خشنود گردند ، ما چنین استنباطی از سوسیال دموکراسی نداریم . ما آن را بمثابة حزبی انقلابی میدانیم ، که بطور جدایی ناپذیر با جنبش طبقه کارگر پیوند یافته و بر علیه مطلقگی سمت و سو دارد . تنها زمانیکه پرولتاریا - انقلابی ترین طبقهٔ روسیه امروز - در چنین حزبی متشکل باشد ، قادر خواهد بود

وظیفه تاریخی را که در برابرش قرار دارد انجام داده - تمام عناصر دموکرات در کشور را زیر پرچم خویش متحد گردانیده و مبارزه سرسختانه‌ای را که نسلهای متعددی در راهش جان باخته اند به قله پیروزی نهایی بر رژیم منغور برساند .

* *

*

اندازه روزنامه بین یک تا ۲ فرم چاپی متغیر خواهد بود با در نظر داشتن شرایطی که مطبوعات زیرزمینی روسیه تحت آن مجبور به کار است ، تاریخ انتشار منظمی در کار نخواهد بود .
 مساعدتهایی از طرف نمایندگان برجسته سوسیال دموکراسی بین الملل ، همکاری نزدیک گروه آزادی کار (گ . و پلخائف ، پ . ب اکسلرد ، و . وایزاسولیک) ، و حمایت سازمانهای متعدد حزب کار سوسیال دموکرات روسیه ، بعلاوه گروههای پراکنده سوسیال دموکراتهای روسیه وعده داده شده است .

نوشته شده در سپتامبر سال ۱۹۰۰ مطابق با مفاد اعلامیه
 منتشره بعنوان اعلامیه‌ای جداگانه چاپ گردیده است .
 توسط ایسکرا در همان سال ؛
 سال ۱۹۰۰

با اعتقاد باینکه انتشار یک نشریه آزاد برای خوانندگان روشنفکر گرجی مسئله ای مبرم است ، با اعتقاد باینکه این مسئله بایستی امروز رفع و رجوع شود و هرگونه تاخیری فقط می تواند به هدف مشترک صدمه بزند و با اعتقاد به اینکه هر خواننده روشنفکری از چنین نشریه ای استقبال کرده و از ارائه هرگونه کمکی دریغ نمی کند ، ما ، گروهی از سوسیال-دموکراتهای انقلابی گرجستان برای برآورد این نیاز تا آنجا که در توانمان است نهایت سعی و کوشش خود را میکنیم تا خواسته های خوانندگان را برآورد نمائیم . ما در حال انتشار اولین شماره نخستین روزنامه آزاد گرجی بردزولا (۱۰) هستیم .

برای اینکه خواننده قادر گردد عقیده شخصی درباره نشریه و بخصوص درباره خود ما بدست آورد ، چند کلمه ای خواهیم گفت : جنبش سوسیال دموکراتیک هیچ گوشه ای از کشور را دست نخورده باقی نگذاشته است . از آن گوشه روسیه که آنرا قفقاز می نامیم غفلت نکرده و همراه با قفقاز از گرجستان ما نیز غافل نمانده است . جنبش سوسیال دموکراتیک در گرجستان یک پدیده جدید است ، فقط چند سالی از عمرش می گذرد ، دقیق تر بگوئیم ، پایه های جنبش همین اواخر در سال ۱۸۹۶ بنا نهاده شد . اینجا نیز مانند هر جای دیگر ، فعالیت های

* سرمقاله روزنامه سوسیال دموکراتیک غیرقانونی ، بردزولا (مبارزه)

ما در ابتدا پا از مرزهای مخفی کاری بیرون نمی گذاشت . تهییج و تبلیغ وسیع بشکلی که اخیراً " شاهد بوده ایم غیر ممکن بود و خواهی نخواهی تمام کوششها به چند محفل متمرکز میشد . این دوره اکنون گذشته است . ایده های سوسیال دموکراتیک در میان توده های کارگران گسترش یافته و فعالیتها از مرزهای محدود پنهانکاری فراتر رفته و در میان بخشهای عظیم کارگری توسعه پیدا کرده است .

مبارزه آشکار آغاز شده است . این مبارزه کارگران حزبی پیشرو را با مسائل فراوانی که تاکنون در پس پرده بوده و احتیاج به توضیح فوری نداشته مواجه ساخته است . اولین سئوالی که با همه اهمیتش بروز کرده اینست : چه سئوالی برای وسعت بخشیدن به مبارزه در اختیار داریم ؟ جواب به این سئوال در حرف بسیار سهل و آسان و در عمل کاملاً متفاوت است .

لازم بتذکر نیست که وسائل عمده برای جنبش سازمان یافته سوسیال دموکراتیک ، تبلیغ وسیع ایده های انقلابی و تهییج در جهت آنها می باشد . اما شرایطی که تحت آن یک انقلابی ملزم به عمل کردن است چنان متضاد ، مشکل و خواهان چنان فداکاری شدیدی است که اغلب هم تبلیغ و هم تهییج بآن شکلی که مراحل اولیه جنبش مستلزم آنست غیر ممکن میگردد .

مطالعه کردن در محافل بکمک کتاب و جزوه غیر ممکن میگردد . اولاً "بدلیل مزاحمتهای دائمی پلیس و ثانیاً" بخاطر خود نحوه ای که اینکار سازمان داده شده است . با اولین دستگیری تهییج رو به افول می گذارد . حفظ تماس با کارگران و ملاقات پی در پی با آنان غیر ممکن میگردد . در حالیکه کارگران انتظار توضیح تعداد بیشماری از مسائل روز را دارند . مبارزه دشمنانکی در اطراف آنها میخروشد . نیروهای حکومت بر علیه

آنها بسیج شده اند. لیکن آنها هیچ وسیله‌ای برای تجزیه انتقادی اوضاع کنونی ندارند، آنها هیچ اطلاشی درباره کیفیت واقعی امور ندارند، و اغلب یک عقب‌نشینی کوچک در یکی از کارخانه‌های مجاور کافی است که باعث شود، کارگران معتقد انقلابی سرد شده، اعتماد خود را بآینده از دست بدهند و رهبر موظف است که شروع به جلب مجدد آنها بکار بکند.

اغلب اوقات، تهییج بکمک جزوه‌هایی که فقط جواب بعضی مسائل معین را ارائه می‌کنند تاءثیر کمی دارد. ابداع نوشتجاتی که جواب مسائل روز را تاءمین می‌کند ضرورت پیدا می‌کند. ما در اثبات این حقیقت شناخته شده تاءمل نخواهیم کرد. در جنبش کارگری گرجستان وقت آن رسیده است که یک نشریه به یکی از وسایل عمده فعالیت انقلابی تبدیل گردد.

برای اطلاع بعضی از خوانندگان ناواردمان لازم میدانیم چند کلمه‌ای درباره روزنامه‌هایی که بطور قانونی چاپ میشوند صحبت کنیم. ما اینرا پنداری بسیار اشتباه میدانیم اگر کارگری چنان روزنامه‌هایی را بدون در نظر گرفتن شرایطی که تحت آن انتشار یافته‌اند و بدون در نظر گرفتن جریانی که دنبال میکند بعنوان سخنگوی منافع خود، منافع کارگران بپندارند.

حکومتی که از کارگران «مراقبت» میکند، تا آنجا که به چنین روزنامه‌ای مربوط میشود در مقام پرشکوهی است. یک اردوی کامل از مقامات، مرسوم بر سانسورچی ضمیمه آنهاست و وظیفه ویژه آنهاست که مواظب باشند و اگر حتی بارقه‌ای از حقیقت آشکار گردید متوسل به جوهر قرمز و قیچی شوند. بخشنامه پشت بخشنامه پروازکنان به کمیته سانسور وارد شده دستور میدهد. «هیچ چیزی راجع به کارگران درز نکند. چیزی در مورد این یا آن واقعه منتشر نکنید. اجازه بحث پیرامون

فلان و بهمان موضوع را ندهید « و همینطور تا به آخر .
 تحت این شرایط البته برای یک روزنامه غیر ممکن است که بطور
 صحیح اداره شود . و در کمال یأس و بیهودگی کارگر در میان ستونهایش
 حتی لابلای خطوط آن اطلاعات و ارزیابی موضوعاتی را که به او مربوط
 میشود جستجو میکند . اگر کسی باور کند که یک کارگر میتواند از خطوط
 نادری که در این یا آن روزنامه منتشر شده قانونی، که تصادفاً "به مطالبی
 راجع به وی اشاره کرده و آنهم از دست سانسورچی ارتجاعی بطور اشتباه
 ترخیص شده نفعی ببرد ، ما باید بگوئیم کسی که آمالش را به چنین قطعاتی
 وا گذاشت و کوشش کرده که سیستم تبلیغی ای بر مبنای چنین خرده ریزهائی
 بنا کند نفهمی خود را نشان داده است .

تکرار می کنیم که این ها را فقط برای اطلاع تعداد کمی از خوانندگان
 ناوارد خود تذکر میدهیم .

و بنابراین ، یک نشریه آزاد گرجی چیزی است که جنبش سوسیال
 دموکراتیک بطور خیلی مبرم بدان نیازمند است . حالا تنها مسئله این
 است که چگونه چنین نشریه ای را بگردانیم ، بوسیله چه چیزی باید راهنمائی
 شود ، و به سوسیال دموکراتهای گرجستان بایستی چه چیزی بدهد .
 از نقطه نظر یک ناظر ، مسئله وجود یک روزنامه گرجی بطور اعم ،
 و مسئله محتوا و سبک آن بالاخص ، ممکن است طبیعتاً "بسادگی بوسیله
 خودشان رفع و رجوع شوند . جنبش سوسیال دموکراتیک گرجستان یک
 جنبش طبقه کارگر جداگانه و منحصر " گرجی با برنامه جداگانه خویش
 نیست ، این جنبش دست در دست جنبش سراسری روسیه پیش می رود ،
 و ، نتیجتاً "آتورپته حزب سوسیال - دموکرات روسیه را قبول می کند .
 بنابراین روشن است که یک روزنامه سوسیال دموکراتیک گرجی بایستی
 فقط یک ارگان محلی باشد که اساساً " با مسائل محلی سروکار دارد و

جنبش محلی را منعکس میسازد. اما پشت این جواب مشکلی که مانعی توانیم به آن بی اعتنائی کرده و ما ناگزیر آنرا بحساب خواهیم آورد کمین کرده است، منظور ما مشکل زبان است. در حالیکه کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات روسیه قادر به پاسخ گوئی بتمام مسائل عمومی بوسیله روزنامه سراسری حزب است، فقط برخورد به مسائل محلی را به کمیته های ناحیه ای واگذار می کند، روزنامه گرجی از نظر محتویات خود را با مشکلی روبرو می بیند. روزنامه گرجی بایستی همزمان نقش یک روزنامه سراسری حزبی و ارگان روزنامه محلی یا ناحیه ای را بازی کند.

از آنجائیکه اکثریت خوانندگان طبقه کارگر گرجی نمی توانند به راحتی روزنامه روسی را بخوانند، نویسنده روزنامه گرجی حق نادیده گرفتن مسائلی را که روزنامه روسی سراسری حزب مورد بحث قرار داده و بایستی قرار دهد، را ندارد. بنابراین روزنامه گرجی باید پیرامون تمام مسائل اصولی مربوط به تئوری و تاکتیکها خوانندگان را مطلع گرداند. در این بین باید جنبش محلی را رهبری کرده، هر واقعه ای را به درستی تبیین کند بدون اینکه حتی یک حقیقت ناگفته بماند و پاسخگوی همه مسائلی که کارگران محلی را برمی انگیزاند باشد. از این رهبری را بتایاند. روزنامه گرجی باید کارگران رزمنده روسی و گرجی را پیوند داده و متحد گرداند. روزنامه باید خوانندگان را درباره هر چیزی که در میهن، در روسیه و خارج به آنان مربوط می گردد مطلع گرداند.

چنین چیزی، بطور اعم، نظر ما درباره اینکه روزنامه گرجی چه باید باشد است، چند کلمه ای نیز درباره محتوا و سمت و سوی روزنامه بگوئیم.

ما باید خواستار آن باشیم که بعنوان یک روزنامه سوسیال دموکراتیک روزنامه گرجی بایستی عمدتاً "توجهش را به کارگران رزمنده معطوف نماید.

فکر می‌کنیم لازم به تذکر نباشد که در روسیه و در هر کجا، از نظر تاریخی تنها برای پرولتاریای انقلابی مقدر شده است که نوع بشر را آزاد گردانده و شادمانی را به جهان آورد. بطور وضوح، تنها جنبش طبقه کارگر است که بر زمین سخت ایستاده و از بند تمام اقسام روایات تخیلی جن و پری آزاد است. نتیجتاً، روزنامه، بعنوان ارگان سوسیال دموکراتها، بایستی جنبش طبقه کارگر را رهبری کرده، راه را نشانش داده، و از اشتباهات مصونش بدارد. بطور اختصار وظیفه عمده روزنامه اینست که تا آنجا که امکان دارد به توده های کارگر نزدیک بوده، تا قادر گردد دائماً آنها را تحت تاءثیر قرار داده و بمتابیه هسته آگاه و راهنمایان خدمت کند.

نظر باینکه بهر حال، در شرایط غالب در روسیه امروز، ممکن است عناصر دیگری از جامعه علاوه بر طبقه کارگر بعنوان قهرمانان «آزادی» بمیدان آیند و نظر باینکه این آزادی هدف بلاواسطه کارگران رزمنده روسیه می‌باشد، وظیفه روزنامه است که برای هر جنبش انقلابی ای، حتی خارج از جنبش کارگری، فضای لازم را در ستونهایش تاءمین نماید. ما می‌گوئیم «تاءمین فضا» نه فقط برای اطلاعات معمولی یا فقط اخبار، نه! روزنامه باید توجهی بخصوص به جنبش انقلابی ای که در میان سایر عناصر جامعه جریان دارد یا طفیان خواهد نمود تخصیص دهد. باید هر پدیده اجتماعی را توضیح داده و بدین ترتیب هر کسی را که در حال مبارزه برای آزادی است تحت تاءثیر قرار دهد. بنابراین، روزنامه باید توجهی ویژه به وضعیت سیاسی روسیه نموده، تمام نتایج این وضعیت را سبک - سنگین کرده، و با وسیع ترین زمینه ممکن مسئله لزوم برپا کردن یک مبارزه سیاسی را مطرح گرداند.

ما متقاعد شده ایم که هیچکس حرفهای ما را بعنوان دلیل اینکه ما از ایجاد

ارتباط با بورژوازی دفاع می‌کنیم نقل قول نخواهد کرد. ارزیابی صحیح، نمایانندن ضعفها و اشتباهات جنبش در مواجهه با نظام موجود، حتی اگر بمیان بورژوازی راه یابد، نمی‌تواند به سوسیال دموکراتها برچسب اپورتونیسیم بزند. تنها نکته در اینجا اینست که اصول سوسیال دموکراتیک و روشهای انقلابی مبارزه را فراموش نکنیم. اگر ما تمام جنبش را با این معیار محک بزنیم، از تمام مهملات برنشتینی برحذر خواهیم ماند.

بنابراین، روزنامه سوسیال دموکراتیک گرجی بایستی جوابهای صریح به تمام مسائلی که با جنبش طبقه کارگر ارتباط دارد ارائه‌مین‌کرده، مسائل اصولی را توضیح داده، نقشی را که طبقه کارگر در مبارزه بازی می‌کند بصورت تئوریک تشریح کرده، و نور سوسیالیسم علمی را بر هر پدیده‌ای که کارگران با آن برخورد می‌نمایند بتاباند.

همزمان آن روزنامه باید بعنوان نماینده حزب سوسیال دموکرات روسیه عمل کند و اطلاعات بموقع درباره تمام نظرات پیرامون تاکتیکهایی که توسط سوسیال دموکراسی انقلابی روسیه ارائه شده در اختیار خوانندگانش قرار دهد. باید خوانندگان را درباره اینکه چگونه کارگران در سایر کشورها زندگی می‌کنند، چه کاری در جهت بهبود وضعیتشان انجام می‌دهند، و چگونه آنها انجام می‌دهند مطلع کرده و فراخوانی بموقع برای احضار کارگران گرجی به صحنه کارزار صادر نماید. همزمان آن روزنامه نباید حتی از یک جنبش اجتماعی غافل مانده و آنها بدون انتقاد سوسیال دموکراتیک رها سازد.

آنچه که گذشت نظرات ماست درباره اینکه یک روزنامه گرجی چه باید باشد.

ما نمی‌توانیم خود یا خوانندگانمان را با وعده انجام این وظایف بطور تمام و کمال با نیروهایی که در حال حاضر در اختیار داریم گول

بزیم . برای اداره روزنامه آنطوریکه واقعا " بایستی اداره شود ما بکمک تمام خوانندگان و هوادارانمان نیازمندیم . خواننده توجه خواهد کرد که نخستین شماره بردزولا با نقایص فراوانی درگیر است ولی نقایص می تواند بر طرف شود ، فقط در صورتیکه خوانندگان ما از کمکهایشان بما دریغ نوزند . بویژه ، ما بر روی قلت اخبار میهن تاءکید می ورزیم . دور از موطن ، ما قادر به نظارت جنبش انقلابی در گرجستان تاءمین اطلاعات بموقع وتوضیح مسائل مربوطه جنبش نیستیم . بنا براین ما باید از گرجستان کمک دریافت نمائیم . هرکسی که بخواهد با کمکهای ادبی نیز ما را دستیاری نماید بدون شک وسایل ایجاد رابطه مستقیم یا غیر مستقیم را با نویسندگان بردزولا خواهد یافت .

ما تمام سوسیال دموکراتهای رزمنده را دعوت می کنیم که سرنوشت بردزولا را با علاقه شدید دنبال نمایند . از هرگونه دستیاری درانتشار وتوزیع آن دریغ نکنند ، و بدینترتیب اولین روزنامه آزادگرچی بردزولا را به سلاح مبارزه انقلابی تبدیل کنند .

امضا نشده

بردزولا (مبارزه) ، شماره ۱

ترجمه از زبان گرجی

سپتامبر ۱۹۰۱

خبرنگاران کارگری

مصاحبه با نمایندهٔ مجلهٔ «رابوچی کارسپاندنت»^{۱۱} اهمیت شرکت کارگران در تدوین یک روزنامه عمدتاً در این حقیقت نهفته است که این شرکت امکان تبدیل این اسلحه را در مبارزه طبقاتی، در شکل یک روزنامه، از اسلحه ای برای بردگی مردم به اسلحه ای برای رهاییشان ممکن میسازد. تنها خبرنگاران کارگری و دهقانی می‌توانند این دگرگونی عظیم را به ارمغان آورند.

فقط بصورت یک نیروی سازمان یافته خبرنگاران کارگری و دهقانی می‌توانند در عرصهٔ توسعه مطبوعات، نقش سخنگو و ماشین عقاید سیاسی پرولتاریایی، نمایشگر نقایص موجود در زندگی سیاسی شوروی، و مبارزه خستگی ناپذیر برای بهبود کار سازندگیمان را ایفا کنند.

آیا خبرنگاران کارگری بایستی در جلسات کارگری انتخاب شوند، یا بوسیله ناشران؟

فکر می‌کنم که روش دوم (انتخاب توسط ناشرین) اقتضای بیشتری می‌کند. اصل مربوطه باید استقلال خبرنگار از سازمانها و اشخاصی که، در اثنای کار خود با آنها تماس می‌یابد باشد. این، بهر طریق بمعنی استقلالش از آن نیروی لمس نشدنی اما دائماً فعال که عقاید سیاسی پرولتاریایی نامیده می‌شود، و خبرنگار کارگری باید حامل آن باشد نیست.

خبرنگاران کارگری و دهقانی نایستی منحصر " بعنوان روزنامه - نگاران آینده ، یا بعنوان ماء مورین خدمات اجتماعی کارخانه بمعنای محدود دلغوی آن در نظر گرفته شوند ، آنها عمدتاً " نمایشگر نقایص موجود در زندگی عمومی شوروی ما ، مبارزینی برای از بین بردن آن نقایص ، فرماندهان افکار عمومی پرولتاریائی که کوشش می کنند نیروهای خستگی ناپذیر این عامل عظیم را در جهت کمک به حزب و قدرت شوروی در وظیفه مشکل سازندگی سوسیالیستی رهبری نمایند هستند .

اینکار ، مسئله کارآموزی در میان خبرنگاران کارگری و دهقانی را مطرح میسازد . البته لازم است که به خبرنگاران کارگری و دهقانی زمینه های در تکنیک روزنامه نگاری داده شود ، اما به این ختم نمی شود . موضوع اساسی اینست که خبرنگاران کارگری و دهقانی بایستی در اشنای کارشان بیا آموزند و بینش یک مددکار اجتماعی - روزنامه نگار را که بدون آن نمی توانند ماء موریتشان را انجام دهند و بوسیله هیچ معیار مصنوعی آموزش بمفهوم تکنیکی کلمه نمی توان آن را - القاء کرد . کسب نمایند . دست یابند .

راهنمایی مستقیم ایدئولوژیک خبرنگاران کارگری و دهقانی بایستی بوسیله ناشران ، که با حزب رابطه دارند اجرا گردد . سانسور مقالات بایستی در دست ناشران روزنامه متمرکز باشد .

آزار و اذیت خبرنگاران کارگری و دهقانی ، وحشیانه و بقای رسوم بورژوائی است . روزنامه باید مصونیت خبرنگارانش را از اذیت و آزار به عهده بگیرد ، زیرا این بئنهائی قادر به برآه انداختن کارزار وحشتناکی برای افشای کهنه ، پرستی میباشد .

من موفقیت همه جانبه رابوچی کارسپاندنت را خواهانم .

رابوچی کارسپاندنت شماره ۶

ژ . استالین .

ژوئن سال ۱۹۲۴

توضیحات

(۱) - ایسکرا (جرقه) اولین روزنامه مارکسیستی غیر قانونی و سرتاسری روسیه بود . در سال ۱۹۰۰ توسط لنین تاسیس شد و رل مهمی را در ساختن حزب انقلابی مارکسیستی طبقه کارگر روسیه ایفا نمود . انتشار روزنامه انقلابی در روسیه بسبب اذیت و آزار پلیس غیر ممکن بود ، لنین ، موقعیکه هنوز در سیبری در تبعید بسر می برد طرحی برای نشر روزنامه در خارج از کشور ریخت . زمانیکه تبعیدش بسر آمد (ژانویه سال ۱۹۰۰) ، فوراً " شروع به اجرای طرح خویش نمود ، در فوریه ، در سنت - پترزبورگ ، او با ورا زاسولیچ^۱ (کسی که از خارج بطور غیر قانونی آمده بود) درباره شرکت گروه آزادی کار در نشر روزنامه بتوافق رسید . او آخر مارس و اوایل آوریل کنفرانسی - بنام کنفرانس پسکوف^۲ - با شرکت و ای لنین ، ل مارتف^۳ (ی . ا . زدربام) ، ا . ن . پوترسف^۴ ، س . ای رادچنکو^۵ ، و " مارکسیست های علنی " پ . ب . استرووه^۶ و م . ای توگان بارانفسکی^۷ صورت گرفت که در آن . پیش نویس بیانیه ای که توسط لنین از هیئت نویسندگان روزنامه سراسری روسیه (ایسکرا) و مجله علمی و سیاسی (زاریا) درباره برنامه و اهداف این نشریات طرح شده بود

1- *Obaura zasoulich*

2 - *Peskov*

3 - *Martov*

4 - *I-N.Potersov*

5 - *R adchenkov*

6 - *P.B.sterove*

7 - *Baranfesky*

مورد بحث قرار گرفت. در طول نیمه اول سال ۱۹۰۰ لنین به شهرهای متعددی سفر کرد (مسکو، سنت پترزبورگ، ریگا، اسمولنسک، نیژنی-نوگورود، افا، سامارا، سیزران) و با گروه‌های سوسیال دموکرات و اشخاص سوسیال دموکرات رابطه برقرار نموده و حمایت آنان را جهت اِیسگراکسب نمود. در آگوست سال ۱۹۰۰، زمانیکه لنین به سوئیس رسید، او و پوترسف با گروه آزادی کار درباره برنامه و اهداف روزنامه و مجله درباره کمک‌های ممکن، درباره هیئت تحریریه و محل آن مشورت نمود. کنفرانس تقریباً بشکست انجامید اما سرانجام توافق بروی تمام مسائل مورد مباحثه بدست آمد.

شماره اول اِیسگرای لنین در لایپزیک در دسامبر سال ۱۹۰۰ منتشر شد، شماره‌های بعدی در مونیخ بچاپ رسیدند، از ژوئیه سال ۱۹۰۲ روزنامه در لندن چاپ می‌شد، و از بهار سال ۱۹۰۳ در ژنو. در جهت ادامه کار روزنامه (سازمان چاپخانه مخفی^۴ استفاده از حروف چاپ روسی و غیره.) توسط سوسیال دموکرات‌های آلمانی کلارا زتکین^۱، آدولف - براون^۲ و دیگران، توسط جولیان مارخلیوسکی^۳، انقلابی لهستانی که در آن زمان در مونیخ سکونت کرده بود، و توسط هاری کولچ^۴، یکی از رهبران فدراسیون سوسیال - دموکرات انگلیس کمک قابل ملاحظه ای میشد.

هیئت تحریریه اِیسگرا از و. ای. لنین، گ. و. پلخانف، ل. مارتف پ. ب. اکسلرد، ا. ن. پوترسف، و و. ای. زاسولیچ تشکیل میشد. اولین منشی هیئت ای. ج. اسمیدویچ لمان^۵ بود، این سمت بعداً "از بهار سال ۱۹۰۱ توسط ن. ک. کروپسکایا^۶ تحویل گرفته شد، کسی که نقش رابط میان

1 - clara zetkin

2 - Idolf Braun

3 - julian Marchlewsky

4 - Harry Quelch

5 - I.G. smidovich

6 - N.K. Krupskaya

ایسکرا و سازمانهای سوسیال دموکرات روسیه را نیز بعهده داشت. لنین عملاً "سر دبیر" و عهده دار نقش رهبری در ایسکرا بود، جائیکه او مقالاتش را درباره تمام مسائل اساسی تشکیلات حزب و مبارزه طبقاتی پرولتاریا در روسیه، بعلاوه مهمترین وقایع امور جهانی منتشر مینمود. ایسکرا به مرکز وحدت نیروهای حزب، گردآوری و آموزش کارگران حزبی تبدیل شد. در تعدادی از شهرهای روسیه (سنت پترزبورگ، مسکو، سامارا، و دیگر شهرها) گروهها و کمیته های حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه حول خطوط ایسکرای لنینی متشکل شدند و کنفرانس طرفداران ایسکرا که در ژانویه ۱۹۰۲ در سامارا برپا شد سازمان ایسکرای روسی را بنیاد نهاد. سازمانهای ایسکرا تحت رهبری مستقیم شاگردان و رفقای همدست لنین، ن. ای بومان^۱، ای. و. بابوشکین^۲، اس. ای. گوسف^۳، م. ای. کالینین^۴، پ. ای. کراسیکوف^۵، ج. م. کرزنیژانوفسکی^۶، ف. و. لنگینیک^۷، ب. ن. لیشینسکی^۸، ای. ای. رادچنکو و دیگران رشد و فعالیت می کردند.

با ابتکار و شرکت شرکت مستقیم لنین، هیئت تحریریه ایسکرا پیش نویس برنامه حزب را (منتشره در ایسکرای شماره ۲۱) ارائه نمود و کنگره دوم حزب کار سوسیال - دموکرات روسیه را در ژوئیه و آگوست سال ۱۹۰۳ ترتیب داد. تا آن موقع کنگره که اکثریت سازمانهای سوسیال - دموکرات روسیه به آن دعوت شده بودند، موقعیت ایسکرا را تثبیت کرده بود، برنامه، طرح تشکیلاتی، مشی تاکتیکی اش را قبول کرده و روزنامه را به

- | | |
|---------------------|--------------------------|
| 1 - E. Bauman | 5 - P. A. Krasikov |
| 2 - I. v. Babushkin | 6 - G. M. Krznizhanovsky |
| 3 - S. I. Gasev | 7 - F. v. lengnik |
| 4 - M. i. Kalinin | 8 - P. N. Lepeshinsky |

عنوان ارگان رهبری کننده شان برسمیت شناخت .
 تصمیم ویژه کنگره به نقش استثنائی ایسکرا در مبارزه برای ایجاد حزب اشاره کرده و روزنامه را بعنوان ارگان مرکزی حزب کارگرسوسیال-دموکرات روسیه قبول نمود . کنگره هشتت تحریریه‌ای شامل لنین ، پلخانف و مارتف را تصویب نمود . برخلاف تصمیم کنگره ، مارتف از شرکت در آن امتناع کرد و شماره های ۴۶ تا ۵۱ ایسکرا را لنین و پلخانف تحریر نمودند . بعداً " پلخانف جانب منشویکها را گرفت و خواستار آن شد که تمام نویسندگان منشویک قدیمی به هیئت تحریریه ایسکرا اضافه شوند ، اگرچه آنها توسط کنگره پذیرفته نشده بودند . لنین نمی توانست با این موضوع موافقت کند و در اکتبر (اول نوامبر) سال ۱۹۰۳ ، از هیئت تحریریه ایسکرا استعفا نمود . او به همکاری کمیته مرکزی پذیرفته شد . جاییکه از آنجا مبارزه را علیه اپورت بیستهای منشویک رهبری می کرد . شماره ۵۲ ایسکرا توسط تنها پلخانف تحریر شد . روز ۱۳ نوامبر (۲۶) سال ۱۹۰۳ ، پلخانف خودسرانه و با نقض خواست کنگره ، تمام نویسندگان منشویک قدیمی را به همکاری با هیئت تحریریه قبول کرد . از شماره ۵۲ منشویکها ایسکرا را به ارگان خودشان تبدیل نمودند .

(۲) - زاریا (سپیده دم) - مجله علمی و سیاسی مارکسیستی که بطور قانونی در اشتوتگارت در سال ۲ - ۱۹۰۱ توسط هیئت تحریریه ایسکرا منتشر میشد . کلا " ۴ شماره (در ۳ نشر) منتشر شد :
 شماره ۱ - آوریل ۱۹۰۱ (عملاً " روز ۲۳ مارس در فرم جدید ، منتشر شد) شماره ۲ و ۳ در دسامبر ۱۹۰۱ ، و شماره ۴ اگوست سال ۱۹۰۲ .

(۳) - لنین به " آگهی تجدید نشریات گروه آزادی کار " منتشره

در اوایل سال ۱۹۰۰ در ژنو، بعد از انتشار «اعتراضی توسط سوسیال دموکراتهای روسیه» اشاره می‌کند در «آگهی» شان گروه آزادی کار از درخواست لنین در «اعتراض» برای مبارزه قطعی بر علیه آپورتونیسیم در صفوف سوسیال دموکراسی روسیه و بین الملل پشتیبانی کردند.

(۴) - منظور لنین از گروهها و سازمانها، سوسیال دموکراتهایی است که بگرد روزنامه یوژنی رابوچی (کارگر جنوبی) جمع شده بودند، بودند، و اتحادیه سوسیال دموکراتهای روسیه در خارج که رهبری آن از گروه آزادی کار به پشتیبانان «جوان» «گونومیسم» منتقل شده بود می‌باشد.

این سازمانها نقشه ریختند که کنگره دوم حزب را در اسمولنسک در بهار سال ۱۹۰۰ فرا خوانند. تفصیل مربوط به آمادگی برای کنگره در فصل ۵ چه باید کرد؟ لنین مورد بحث قرار گرفته است.

(۵) - لنین به «پیش نویس برنامه» حزب ما «که در پایان سال ۱۸۹۹ برای شماره ۳ رابوچایا گازتا نوشت و هرگز بچاپ نرسید اشاره می‌کند. پیش نویس برنامه‌ی حزبی برای کنگره دوم حزب کار سوسیال دموکرات روسیه، به پینشهاد لنین، توسط هیئت تحریریه ایسکراو زاریابا دقت تهیه شده بود. در ایسکرا شماره ۱۲۱ اول ژوئن سال ۱۹۰۲ بچاپ رسید، پیش نویس توسط کنگره دوم حزب در آگوست سال ۱۹۰۳ برسمیت شناخته شد.

(۶) - لنین مضمون اصلی «قوانین عمومی انجمن بین المللی کارگران» (انترناسیونال اول) ارائه شده توسط کارل مارکس

رانقل قول می‌کند . (مارکس و انگلس ، آثار منتخب) .

(۷) - متفاوت با اولین پیش نویس بیانیه که برنامه هر دو ارگان روزنامه و نشریه ارائه داد بیانیه منتشره بوسیله هیئت تحریریه / یسگرا فقط مربوط به / یسگرا می‌شد . تصمیم گرفته شده بود که اهداف مجله زاریا جداگانه در اولین شماره اش ارائه شود .

(۸) - گروه خودآزادی طبقه کارگریک محفل کوچک « اکونومیستها » بود که در سنت پترزبورگ در پائیز سال ۱۸۹۸ بوجود آمد ، و تنها چند ماهی ادامه حیات داد . گروه بیانیه ای جهت اعلام اهدافش (چاپ شده در مجله ناکانون (در شامگاه) ، منتشره در لندن) ، قوانینش و چند اعلامیه به کارگران منتشر نمود .
لنین نظرات این گروه ر در فصل ۲ کتابش ، چه باید کرد ؟ مورد انتقاد قرار داد .

(۹) - « بوجیه دلو " آرمان کارگران " . روزنامه ای با نظرات « اکونومیستی » ، ارگان اتحادیه سوسیال دموکراتهای روسیه خارج . به طور نامرتب ارائه میشد و در ژنو از آوریل ۱۸۹۹ تا فوریه ۱۹۰۲ تحت سردبیری ب . ن . گریچفسکی ، ا . س . مارتینف ، و و . پ . ایوانشین انتشار یافت . رویهم ۱۲ شماره در ۹ نشر ارائه شد .
لنین نظرات « بوجیه دلو » را در کتابش چه باید کرد ؟ به نقد کشیده .
(۱۰) - « بردزولا (مبارزه) - اولین روزنامه گرجی غیر قانونی که توسط گروه / یسگرای لنین از سازمان سوسیال دموکرات تغلیس منتشر شد . به ابتکار استالین تاسیس شد . روزنامه بمثابه نتیجه ای از مبارزه ای که

از سال ۱۸۹۸ گسترش یافته بود بوسیله اقلیت انقلابی در اولین سازمان سوسیال دموکرات گرجستان بنام مسامه داسی (ژ. و استالین، و. ز. کتس خوفلی و ا. گ. تساموکیدز) بر علیه اکثریت آپورتونیست (جوردانیا و دیگران) بروی مسئله تاءسیس یک روزنامه مارکسیستی انقلابی مخفی شروع بکار کرد.

بردزولا در باکو در یک چاپخانه مخفی که توسط نزدیکترین همکار استالین و و. ز. کتس خوفلی، باراهنمایی جناح انقلابی سازمان سوسیال - دموکراتیک تفلیس بچاپ می رسید.

کتس خوفلی همچنین مسئولیت کار عملی انتشار روزنامه را بعهده داشت. سر مقالات بردزولا پیرامون مسائل مربوط به برنامه تاکتیکیهای حزب مارکسیستی انقلابی توسط ژ. استالین نوشته شده بودند. چهار شماره بردزولا منتشر شد: شماره ۱، در سپتامبر ۱۹۰۱، شماره ۲ و ۳، در نوامبر - دسامبر ۱۹۰۱، و شماره ۴، در دسامبر ۱۹۰۲. بهترین روزنامه مارکسیستی بعد از ایسکرا در روسیه، بردزولا پافشاری می کرد که پیوندی جدائی ناپذیر مابین مبارزه انقلابی که توسط پرولتاریای ماوراء قفقاز برپا شده بود و مبارزه انقلابی که توسط طبقه کارگر در سراسر روسیه دامن زده می شد، وجود داشت.

بردزولا، با تبلیغ اصول تئوریک مارکسیسم انقلابی، مانند ایسکرای لنین، پافشاری می کرد که سازمانهای سوسیال دموکرات باید دست به تهییج سیاسی توده ای و مبارزه سیاسی بر علیه حکومت مطلقه بزنند و ایده لنینی همزونی پرولتاریا در انقلاب بورژوا - دموکراتیک را تبلیغ می کرد.

بردزولا، در مبارزه اش بر علیه «اکنونیستها»، بر لزوم ایجاد یک حزب انقلابی متحد طبقه کارگر ابرام می ورزید و بورژوازی لیبرال،

ناسیونالیستها و اپورتونیستها را بطور همه جانبه افشاء می نمود. ایسکرای
لنین در تفسیر بر انتشار اولین شماره بردزولا نوشت که نشر بردزولا
واقعه ای بس مهم بود.

(۱۱) رابوچی کارسیوندنت (خبرنگار کارگری) - یک مجله ماهانه،
از ژانویه ۱۹۲۴ تا ژوئن ۱۹۴۱ منتشر شد. در ژانویه ۱۹۲۵ عنوانش به
رابوچه کورستیانسکی گارسیاندنت (خبرنگار کارگری و دهقانی) تغییر کرد.

لیست متون ترجمه شده :

- | | |
|---------------------------------|---|
| استالین | ۱- درباره تشکیلات |
| از "آلبانی امروز" | ۲- خصلت سرمایه داری روابط
تولیدی در " اتحاد شوروی " |
| استالین | ۳- دانشگاه زحمتکشان شرق |
| از "آلبانی امروز" | ۴- سیستم خودمختاری (خودمختاری
کارگری) در یوگسلاوی |
| | ۵- لنین علیه سوسیال امپریالیسم |
| اقتباس از " زری -
پوپولیزیت" | ۶- انحطاط ، فساد و ازهم گسیختگی
همه جانبه در کشورها و حزابی که
تحت حاکمیت رویونیستها
هستند . |
| حزب کمونیست
انقلابی آمریکا | ۷- درباره نقش تبلیغ و ترویج |

قیمت ۴۰ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان